

ادامه از صفحه اول

کارکرد رسانه‌های اجتماعی در اجرای فیش‌ها

این مدیران که عموما در هیات‌مدیره‌ها و بعضا در دستگاه‌های اجرایی (به بیان دقیق یک یا دو دستگاه اجرایی) حضور دارند، مایل نبودند رسانه‌ای‌شدن دریافتی آنها به بهای آبرویشان تمام شود. به این صورت، تحت‌تأثیر آزادی و افشای رسانه‌ای، موضوعی در دستور کار دولتمردان و در «دستور جلسه دولت» قرار گرفت که امیدواریم به اصلاح سیاست‌های حقوق و دستمزد منجر شود. کشمکش درونی این مدیران و ناتوانی آنها از چشم‌پوشی از منافع شخصی به جایی رسید و به اصلاح هیچ سیاستی منجر نشد. صلاح درون دولت‌ها به‌سختی و در فرایندی بسیار پیچیده و کند انجام می‌شود اما رسانه‌های اجتماعی با قدرت تمام، راه اصلاح را به روی دولت‌ها می‌گشایند و به تعبیر دقیق‌تر، اصلاح را بر آنها تحمیل می‌کنند. فارغ از قضاوت درباره کسانی که نامشان افشا شد و آتهایی که هنوز نامشان افشا نشده است، این موضوع می‌تواند بررسی و واکاوی شود و در حوزه عمومی درس‌آموزی کند. آزادی و شفافیت در عرصه سیاست‌گذاری عمومی (آزادی نقد سیاسی) به پالایش تصمیم‌های مدیریتی منجر می‌شود. این آزادی، زمینه نقد اجتماعی را فراهم و نقد سیاست‌گذاری عمومی را از محافل درونی دیوان‌سالاری و لایه‌های درونی قدرت به عرصه عمومی وارد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای بهبود سیاست‌ها را فراهم می‌کند. درباره آزادی بیان و تأثیر آن در مبارزه با فساد، افزایش شفافیت، نظارت همگانی و... بسیار گفته شده است اما در اینجا ما در پی طرح این موضوع هستیم که باید به آزادی («آزادی سیاسی») به‌مثابه اصلاح نظام سیاست‌گذاری و بهبود سیاست‌ها توجه کرد. درعین‌حال باید به آزادی به‌مثابه ابزاری برای «تعیین موضوعات دستور کار دولت» یا تعیین «دستور جلسه دولت» توجه کرد. در عرصه عمومی است که یک سیاست در معرض نقد و بررسی قرار می‌گیرد و اصلاح می‌شود و مصداقی از «همه‌چیز را همگان دانند» جامه عمل می‌پوشد. قرار نیست سازوکارهای بهبود سیاست‌ها صرفا از درون دیوان‌سالاری یا از درون آموزه‌های دانشگاهی بیرون بیایند. هرچند آموزه‌های علمی در این زمینه بسیار اهمیت دارد اما این آموزه‌ها به‌تنهایی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، که با گستره وسیعی از ذی‌ربطان سروکار دارد، کافی نیست. عرصه سیاست‌گذاری عرصه توزیع منافع و امتیازات است بنابراین با حقوق ذی‌ربطان و ذی‌نفعان متعددی سروکار دارد. حضور این ذی‌ربطان به شفاف‌سازی و مالا بهبود سیاست‌ها می‌انجامد. ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های عامه مردم با ارزش‌های درون دیوان‌سالاری و دستگاه اداری همواره یکسان نیست. گاه ارزش‌های عامه به عوام‌زدگی در سیاست‌ها می‌انجامد و گاه ارزش‌های دستگاه اداری به رانت‌جویی گروه‌های خاص منتهی می‌شود. از این‌رو ضروری است تا سیاست‌گذاری نه در انحصار دیوان‌سالاران باشد و نه متأثر از عوام‌زدگی. آزادی سیاسی زمینه مواجهه ارزش‌های دوگانه را فراهم می‌کند و به تلطیف قضاوت‌های اجتماعی نسبت به سیاست‌ها یا به انصاف در سیاست‌گذاری عمومی منجر می‌شود. «انصاف» و «بهبود» سیاست‌ها دو دستاورد مهم آزادی عرصه عمومی در سیاست‌گذاری است که کمتر به آن توجه شده است. یک مشکل مهم اما در ایران ما وجود دارد و آن اینکه دیوان‌سالاری ایرانی به طرز عجیبی به محرم‌نمائی غیرقانونی و پنهان‌کاری غیرسوداگرمی خو کرده است. بسیاری اعمال، تصمیمات و اسناد دولتی وجود دارد که هیچ منع قانونی برای انتشار آنها وجود ندارد اما مدیران از انتشار و به‌رموداری عمومی از آنها خودداری می‌کنند.

در این میان، اما، رسانه‌های اجتماعی به معنی دقیق و امروزی آن، موجبنی بزرگ برای نظام

سیاست‌گذاری عمومی است. امکان تعقیب قضائی آنچه در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، فعلا

اندک است و شاید همین نقطه قوت آن باشد.

ممکن است نسبت به صحت و سقم آنها بتوان

خرده گرفت و ترویج شایعه و دروغ‌پردازی را یک

نقطه ضعف سیاسی برای رسانه‌های اجتماعی در

نظر گرفت. البته چنین امری اجتناب‌ناپذیر است. اما

را‌ه‌حل فائق‌آمدن بر چالش نبود دقت و صحت در

همین تکرر نهفته است. تکرر رسانه‌های اجتماعی و

سهولت دسترسی به آنها به طریقی متناقض‌نما خود

به یک سیستم پالایش تبدیل شده است. به بیان ساده

کاربران شبکه‌های اجتماعی از آنجا که به گروه‌های

مختلفی دسترسی دارند، به‌سرعت می‌توانند از

طریق کنترل متقابل (cross checking) صحت و

سقم یک خبر را دریابند. نوعی نظارت همگانی در

رسانه‌های اجتماعی پدید آمده که امکان افشای

دروغ‌پردازی را بیش‌ازپیش فراهم کرده است. این

تکرر رسانه‌های اجتماعی عملا نقش سوادآموزی

رسانه‌ای را ایفا می‌کند و به این شکل، به آزادی در

عرصه سیاست‌گذاری عمومی، هرچه‌بیشتر دامن زده

می‌شود. این خود نه‌تنها به پالایش تصمیم‌گیری‌ها

و اصلاح سیاست‌گذاری می‌انجامد بلکه به پالایش

تدریجی فرهنگ عمومی و تلطیف قضاوت‌های

شهروندان منجر به آنچه درون دولت و حکومت

نظام می‌شود، منجر می‌شود. درعین‌حال این آزادی

به‌تدریج سواد رسانه‌ای و سیاسی مردم را بیشتر

می‌کند. دولت در حال اصلاح و بهبود دستمزدهای

مدیران ارشد و رکناری برخی از آنان است. امید که

ایست‌طلیعه‌ای باشد برای حضور هرچه فعال‌تر و

زین‌دتر رسانه‌های اجتماعی در اصلاح سیاست‌ها.



فرزانه آئینی

حسن روحانی وقتی به ریاست جمهوری رسید، گفتند مسیر دشواری پیش‌رو دارد و میراثی به او رسیده که اگر از خرابی‌های زمان جنگ بیشتر نباشد، کمتر نیست. روحانی آمد و تشکیل کابینه داد. از آن روز هرچند به طور مداوم با میراث دولت‌های نهم و دهم دست‌به‌گریبان است، اما در این سه سال گذشته با به‌ثمررساندن برجام و کنارزدن سایه شوم تحریم‌ها از سر ملت و کشور، اعتماد و حمایت هوادارانش را دوجندان کرده است. دراین‌میان، اما کف و سوت‌های حامیانش چندان خوشایند افراطیون نیست که چند صباحی است با ناگامی در انتخابات مجلس دهم، یکی دیگر از تریبون‌های اصلی خود را از دست داده‌اند. آنان درصدد جبران مافات برآمده‌اند و در دوره‌می‌هایشان برای به‌درکردن رقیب میانه‌رویشان برنامه‌ریزی می‌کنند و آن‌طور که محمدمباقر نویتخ، سخنگوی دولت می‌گوید: «اتاق فکری برای تخریب دستاوردهای دولت تشکیل داده‌اند». تشکیل اتاق تخریب علیه دولت هرچند موضوع جدیدی نیست و تقریبا جاشنی فعالیت‌های دولت اصلاحات هم بوده است. غوغاسازی و هیاهوی اخیر مخالفان دولت بر سر سرب برخی ضعف‌های دولت، مثل ماجرای فیش‌های حقوقی برخی مدیران ارشد دولتی، بررسی ماهیت و چرایی تشکیل اتاق‌های فکر علیه دولت‌ها را دارای اهمیت مضاعف می‌کند. مرتضی حاجی، وزیر آموزش‌وپرورش دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق» به بررسی این مسئله پرداخته است. «برخی فکر می‌کنند بلادست مردم هستند، دوران معرکه‌گیری تمام شده است»، «می‌خواهند دولت را زمین بزنند»، «مردم باید باور کنند دولت، شاکای ماجرای فیش‌های حقوقی است»، «دولتمردان باید سعه صدر داشته باشند» و «پرداخت یارانه ۲۵۰هزارتومانی، می‌تواند خطرناک باشد»، «نگاه مردم به نانی است که سر سفره‌هایشان می‌رود»، و «دولت به خاطر فیش‌های حقوقی از مردم عذرخواهی کند» بخش‌هایی از سخنان این فعال سیاسی شناخته‌شده اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با «شرق» است.

❖ بهتر است قبل از پرداختن به موضوع گفت‌وگو که درباره تشکیل اتاق‌های تخریب علیه دولت روحانی و چگونگی واکنش دولتمردان به خروجی این اتاق‌هاست، ابتدا درباره مرز تخریب و نقد صحت‌کیم و اینکه چه می‌شود نقد به ابزاری برای تخریب بدل می‌شود؟

نقد براساس یکسری واقعیت‌های موجود انجام می‌شود و نقاط ضعف و قوت موضوع را کنار هم ارزیابی می‌کند. در واقع هدف منتقد از طرح یک موضوع، سامان‌دادن به شرایط نادرستی است که متوجه آن شده است. تخریب اما از این چارچوب خارج است، جمعی که تخریب می‌کنند، در واقع بر سر یک ضعف معرکه‌گیری می‌کنند و ضعف را چندبرابر عمیق‌تر و بزرگ‌تر بازنمایی می‌کنند و این می‌شود که بحث آنها نقد نیست، فضا‌سازی و بکه‌تازی روی موضوعی است که برایشان منافی در پی می‌آورد. دراین‌میان اما آنچه مهم است سعه‌صدر دولتمردان است. تجربه نشان داده است دولتمردان باید در برابر نقدها و حتی تخریب‌ها از خود سعه‌صدر نشان دهند؛ حتی اگر معتقدند درباره عملکرد آنها سیاه‌نمایی شده است، دولتمردان به جای واکنش‌های تند و گزنده به این دست مواضع، بهتر است آستانه تحملشان را بالا ببرند و از حق‌ی از آنها نا‌حق می‌شوند با طرح دعوی در مراکز قضائی، درصدد احقاق حششان آریند.

❖ مدتی است دولتمردان و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا ازتشکیل اتاق‌های فکر برای تخریب دولت بازدهم خبر می‌دهند؛ گفته می‌شود جمعی از رقبای سیاسی دولت در جلسات منظمی برای اخلال در کار دولت برنامه‌ریزی می‌کنند. تحلیل‌اتان ازتشکیل این اتاق‌های فکر برای تخریب دستگاه اجرایی چیست و فکر می‌کنید چرا فعالیت‌ها آنها شدت بیشتری گرفته است؟

هر دولتی یک عده موافق دارد و یک عده هم مخالف؛ هرچند که این اقلیت باید رای اکثریت را محترم بشمارند و تابع اکثریت باشند، اما بنای مخالفت می‌گذارند و برای نظر و انتخاب مردم احترام قائل نیستند. این جمع که در مخالفت از دولت شکل گرفته و به وجود می‌آیند، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته رای مردم و انتخاب اکثریت را محترم می‌شمارند و بنای همکاری و نقد دلسوزانه را در پیش می‌گیرند، دسته دوم اما همواره احساس می‌کنند، آقا بالا‌سر مردم هستند، تشخیص می‌دهند که نظر خودشان را به مردم تحمیل کنند. این جمع فکر می‌کنند هر امری و نظری خلاف دیدگاه خودشان اشتباه است و در صورت بروز اشتباه وظیفه دارند مانع بروز اشتباه بشوند. به‌این‌ترتیب رسما خودشان را بالای دست مردم می‌دانند. این جمع در دوره‌می و جلسات خصوصی‌شان برای تلب به اهدافشان از ضعف‌ها و کاستی‌ها و بعضا ناتوانی دولت‌های غیرهمجنس‌شان سوءاستفاده می‌کنند و با برنامه‌های هفدمند به نبرد با مخالفانشان می‌روند.

❖ فکر می‌کنید هدف از تشکیل چنین اتاق‌های فکری برای تخریب رقیب سیاسی که در قدرت است برای چیست؟ و اساسا تشکیل چنین

سیاست

مرتضی حاجی در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت شفاف باشد، مخالفان نظر مردم را جلب نمی‌کنند



فرزانه آئینی

دراین‌بین دستگاه قضا نیز باید به دروغ‌پردازی‌ها، تمهت‌ها و اتهام‌زنی‌ها حساس باشد.

❖ یعنی می‌گویید دولتمردان باید در مقابل این تلاش و برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف ناگام‌مانده سیاسی‌شان است که با روی‌کارآمدن دولتی مخالف آنها، معطل مانده است، آنها با ساز مخالف‌زدن و بزرگ‌کردن نقاط، دولت در واقع کاری می‌کنند که نتیجه‌اش این می‌شود که نمی‌گذارد آب خوش از گلوئی مردم پایین برود؛ به‌این‌ترتیب آنها در قدم اول برای زمین‌زدن دولت برنامه‌ریزی می‌کنند و قدم دوم جاشینی فردی در رأس دولت از جمع خودشان یا همفکران خودشان است.

❖ این تخریب‌ها چه آسیبی به بدنه دولت می‌زند؟ آیا می‌تواند مانع از کار دولت در برخی مسیرها شود و به‌طورکلی خطری برای دولت محسوب می‌شود؟

بیشتر تلاش مخالفان دولت برای تخریب دولت در زمان تشکیل اتاق‌های فکر، اخذ دستاوردهای سیاسی است. آنها در واقع با تخریب دولت، خودشان و عملکرد گذشته‌شان را توجیه می‌کنند؛ می‌خواهند به مردم بفهمانند حرف درست و عملکرد درست را آنها داشته‌اند و حالا مردمی که رقیقت به این رئیس‌جمهور و دولتش رای دادید، بداندت تصمیم و رأی‌تان اشتباه بوده است و دوباره به ما و برنامه‌های ما اعتماد کنید! این‌گونه مسائل می‌تواند سبب بی‌اعتمادی و حداقل کم‌رنگ‌ترشد اعتماد مردم به رئیس‌جمهور و مدیران اجرایی شود.

❖ فکر می‌کنید تخریب‌ها می‌توانند به دولت و روند اجرایی برنامه‌هایش آسیب بزنند؟

این تخریب‌ها بیشتر از اینکه دولت را نشانه بگیرد و امور دولت را دستخوش تغییر کند، پشنوتوانه اجتماعی دولت را نشانه می‌گیرد. اساسا نوعی نا‌توانند سکانداری را از دست دولت‌ها برپایند؛ اما می‌توانند مسیر پیروزی جناح و جریان خودشان در انتخابات آتی را هموارتر کنند. البته گاه این تخریب‌ها روی افکار تصمیم‌گیرندگان مثلا نمایندگان مجلس، تأثیر می‌گذارد و در برخی موارد مانع تصویب لایحه یا لویاج دولت می‌شود و به‌این‌ترتیب به صورت غیرمستقیم در امور دولت سنگ‌اندازی می‌کنند، اما همان‌طور که گفتیم این جنجال‌ها بیشتر ذهن عامه مردم را هدف می‌گیرد نه مسئولان یا تصمیم گیرندگان دولت را.

❖ پس هدف آنها، حامیان مردمی دولت‌هاست، تحت‌تأثیر قراردادن پشتوانه مردمی دولت می‌تواند خطر جدی برای یک رئیس‌جمهور باشد این‌طور نیست؟

مسئولان اجرایی باید دقت کنند و فعالیت‌های دولت را به گونه‌ای پیش ببرند که کمتر بهانه‌ای به این گروه داده شود؛ چرا که متأسفانه گروه یا شاید هم بهتر بگوییم گروه‌های تخریب، با استفاده از تریبون‌های بزرگ و پرصدایی که در اختیار دارند

از کوچک‌ترین ضعف دولت جنجال می‌آفرینند و هفته‌ها و گاه ماه‌ها روی آن مانور می‌دهند. همه تلاش آنها در یک سال باقی‌مانده تا انتخابات آئنده، شکست دولت در انتخابات است و دراین‌بین، نه به برنامه‌های دولت برای توسعه کشور و خطوط قرمز مصالح و منافع ملی توجه دارند نه به دیدگاه مردمی که دولت را انتخاب کرده‌اند.

❖ بیشتر تخریب‌هایی که سبب گلايه‌مندی دولتمردان شده‌اند، مسائل کوچکی است که با غوغاسازی و هیاهو، جنجال‌ساز شده است. دولتمردان و حامیان دولت باید با این جنجال‌سازی‌ها و هیاهوها چه کنند؟

ببینید این نقدها و واکنش به نقدها باید چارچوب‌مند و قانون‌مند باشد. ما در جریان اصلاحات همواره بر آزادی بیان و آزادی مطبوعات تأکید کرده‌ایم و خواهان گسترش این فضا هستیم. اما این اصل نباید سبب شود، جمعی به راحتی با غوغاسازی سبب آشفتگی کشور شوند و با نسبت ناروا دادن به مخالفان‌شان در پیشبرد امور مردم و کشور مانع‌تراشی کنند. من معتقدم انتقادها و نقدها باید آزادانه مطرح و از سوی کارشناسان امر ارزیابی و بررسی شود و

دولتمردان باید در این جنگ روانی گسترده، ساکت باشند و فقط عملکرد خود را برای مردم تشریح کنند. مشخص است جمعی می‌خواهند دولت روحانی را بعد از موفقیت‌هایی که در برجام به دست آورد، زمین بزنند. اما توقع این بود یکی از برنامه‌های جدی دولت روحانی درست‌کردن سیکل تخریب‌ها علیه دولت گذشته باشد. مثلا اگر از او ایراد مفاصل اقتصادی می‌گیرند از یا مصوباتش را نادرست و ناجبا می‌خوانند یا معاون‌ولش را به فساد مالی متهم می‌کنند و... دولتمردان دولت اعتدال‌گرا بیایند و در کمال احترامی که برای منتقد و حتی تخریب‌کنندگان قائل می‌شوند، موارد ادعایی مخالفان را برای مردم شفاف‌سازی کنند تا از سیاه‌نمایی و ترویج معرکه‌گیری در بزنگاه‌های سیاسی جلوگیری شود. دولتمردان باید همچون وزارت نفت که آمد بسیاری از بی‌بندوباری‌های مالی را رسانه‌ای کرد و خیلی روشن و شفاف درباره آنها با مردم سخن گفت، بیایند و فسادها را خیلی صریح و روشن بگویند تا ذهن مردم روشن شود.

❖ توصیه شما به دولت، محرم قراردادن مردم در همه امور است؟

حتما همین‌طور است این دولت واقعا این وظیفه را دارد که جلو بکه‌تازی‌های جمعی بایستد و به معرکه‌گیری‌ها پایان دهد. دوران زنده‌باد و مرده‌باد را فراموش کند و این دولت برای حفظ جایگاه مردمی‌اش باید با مردم شفاف باشد و پشت‌پرده‌ای با مردم نداشته باشد، چون مقابل او مخالفانی هستند که معرکه‌گیری را خوب بلدند و می‌دانند چه شعاری بدهد و چه بگویند که عامه مردم را جذب کند. فکر می‌کنم دولت روحانی برای مقابله با شعار پرداخت یارانه ۲۵۰ هزارتومانی رقابیش به مردم، نباید حرف مگوی با مردم داشته باشد. نباید تسلیم معرکه‌گیری جمع مخالفش شود و منفعل عمل کند، باید واقعا اطلاع‌رسانی را حق مردم بداند و با آنها اتفاق باشد.

❖ در غیراین‌صورت، فکر می‌کنید روحانی در میدان انتخابات ۹۶ نبرد را به شعار یارانه ۲۵۰هزارتومانی می‌بازد؟

داشتن حقوق شهروندی و حقوق اجتماعی خواسته طبقه متوسط به بالای جامعه ماست و واقعا وضعیت معیشتی طبقه متوسط به پایین جامعه ما، وضعیت سخت و ناراحت‌کننده‌ای است. آنها باید باور کنند در اوضاع معیشتی‌شان اتفاقاتی در حال روی‌دادن است. طبقه متوسط و پایین جامعه دنبال نان سفره‌هایشان هستند، آنها ابتدا به این فکر هستند که چقدر پول و کالا می‌گیرند و دنبال داشتن معیشت بهتری هستند و بعد از رفع مشکلات معیشتی‌شان، به دنبال داشتن جامعه مدنی ایده‌آل‌تر هستند. به‌همین‌دلیل هم دولت باید با کارهای فرهنگی – اجتماعی در زمین اقتصادی، به مردم نشان دهد خواهان تغییر اوضاع معیشتی همه طبقات مردم است. دولت باید نشاط اقتصادی ایجاد کند و به دنبال این باشد که مردم این نشاط اقتصادی را احساس کنند. اما با وجود همه این موارد، باور دارم روحانی و کابینه‌اش در مسیر درستی حرکت می‌کنند و من خیلی احساس نگرانی بابت ادامه مسیر آن ندارم، چراکه اگر دولت با مردم روراست باشد، مردم نمدان داده‌اند دیگر شیوه‌های پوپولیستی نظرشان را جلب نمی‌کند.

❖ به نظرتان مشکلات معیشتی بزرگ‌ترین تهدید دولت روحانی برای دوره دوم محسوب می‌شود و احتمال دارد میدان را به رقیب ببازد؟

برای انتخابات ۹۶ نمی‌تواند مشکل جدی را برای دولت روحانی ایجاد کند چون مردم به روحانی اعتماد دارند و بازمه به او فرصت می‌دهند اما برای ادامه این مسیر و جایگزین‌شدن دولتی هم‌فکر و هم‌نظر روحانی، قطعاً ائتلافی که باعث رأی‌آوری حسن روحانی شد در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم به مشکل برمی‌خورد و اگر رکود اقتصادی، بی‌کاری و مشکلات معیشتی به همین شکل و سیاق باشد، قطعاً مردم جذب شعار یارانه ۲۵۰هزارتومانی می‌شوند، چون نگاهشان در این شرایط فقط به نانی است که به سفره‌هایشان می‌رود.

❖ با این اوصاف، به عنوان یک وزیر سابق پیشنهاد می‌کنید تمرکز روحانی و دولتش در این فرصت باقی‌مانده باید روی چه موضوعاتی جدی‌تر باشد؟

روحانی و تیمش باید به فضای کسب‌وکار رونق بدهند و نشاط اقتصادی –اجتماعی در جامعه ایجاد کنند. آنها باید مواضع کار که از سدر راه درآمدنایی و اشتغال نسل جوان شده است بردارند و اعتماد مردم را جذب کنند که دولت حامی کارآفرینی و سرمایه‌گذاری آنهاست آن وقت است که دیگر سرمایه‌ها از بستو خارج می‌شوند و نیروی کار جوان با دیگر قربانی نمی‌شود. دولت باید بیشتر از پیش با فعالان اقتصادی مدارا کند تا آنها بتوانند در عرصه تولید خوندنمای کنند. دراین‌صورت نشاط اقتصادی در جامعه به‌وجود می‌آید. به‌این‌ترتیب از یک سو شمار کسانی که خواهان گرفتن پول‌های مفت و بی‌درسر هستند کاهش می‌یابد و از سوی دیگر هم فساد اقتصادی و مالی در ارگان‌ها کمتر می‌شود. به همین‌دلیل من معتقدم تمرکز دولتمردان در این فرصت باقی‌مانده باید بافتن مسیری برای خروج کشور از رکود اقتصادی باشد. وگرنه رکود اقتصادی سبب رویگردانی مردم از دولت اعتدال و حامیانشان خواهد شد.

بازتاب

اصالت یافتن اهرم‌های حذفی



نصرت‌الله تاجیک

استاندار پیشین هرمزگان

❖ این یادداشت نه نسخه‌پیچی، بلکه جلب توجه کارشناسان سازمان‌های سیاسی و اطلاعاتی کشور و اعضای اتاق‌های فکری که قصد کمک به نظام سیاسی را دارند، به یک موضوع مهم و تأثیرگذار بر آینده ایران است. به این دلیل، آن را از این طریق عمومی کرده‌ام که در صورت صحت فرضیه‌سازی و روش به کار گرفته شده، برای تبیین و تجزیه و تحلیل این مسئله بتوان از قدرت مثبت و سازنده افکار عمومی برای حل این مشکل استفاده کنیم. نمی‌دانم آیا ما راه اشتباهی می‌رویم یا راه را اشتباهی می‌رویم و طی سلوکمان نادرست است، اما می‌دانم داریم جای‌ای آن اعرابی می‌گذاریم که به او گفتند این راه که می‌روی به ترکستان است.

راه اشتباهی از آنجا آغاز شد که طیف سیاسی محافظه‌کاران با دلایل سیاسی و اقتصادی که به هر قسمت این طیف مربوط می‌شود، نه با استفاده از شایستگی‌ها و توانمندی‌هایشان، بلکه از طریق اهرم‌هایی که در اختیار گرفتند، نه‌تنها سعی کردند بر طیف دیگر برتری یابند، بلکه سعی در حذف طیف رقیب خود کردند.

این‌گونه طی طریق با پای لنگان اشتباه است؛ چراکه در میان مجموعه نیروهای وفادار و پای کار نظام نیز دایره دوست و دشمن تعریف کرده و این دایره را نیز آن‌قدر تنگ ترسیم کرده‌ایم که هم نیروهای بی‌شماری را بی‌دلیل حذف و از قطار قدرت پیاده کرده‌ایم و هم قدرت تعامل و مصالحه اجتماعی و آستانه و تحمل سیاسی مردم را کاهش داده‌ایم.

می‌دانیم بخش قدرت (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) از طریق راهکار مبارزه عادلانه شایستگی‌های شانسنامهمدار و تشکیلاتی باعث افزایش مشارکت اجتماعی، رشد نیروهای صالح و توانمند، اصلاح و بهبود ساختار اداری و مدیریت کشور و مالا چسبندگی اجتماعی و به‌میدست جامعه، نظام و روند سیاست در کشور و در یک کلام موربانه‌زدایی از تفکر و اقدام سیاسی در ایران خواهد شد و برعکس تمرکز قدرت و بی‌توجهی به علم، سازمان‌ها و نحوه گردش قدرت و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ما



را از دست‌یابی به اهداف مصوبات قانونی و اسناد بالادستی دور کرده و بر مشکلات کشور و ازجمله توسعه فساد و بی‌انگیزه‌شدن مردم و خنثی‌کردن نیروهای سیاسی، افزایش فساد و آسیب‌پذیری دولتمردان می‌افزاید. مجموعه چنین وضعیتی بتأسیل انقلابی کشور برای تغییر دامن‌ی مناسبات غلط سیاسی – اجتماعی در کشور را هدر داده و مردم به‌تدریج منفعل و سرد‌گریبان خود داشته و دولت (قوه مجریه) تنها می‌ماند و به‌تدریج فاصله مردم و دولت افزایش می‌یابد. آنچه مهم است راهکار این گردش قدرت است. در این یادداشت قصد، نظریه‌پردازی راهبردی و عملیاتی نیست، اما نقش نهادهای دولتی و حاکمیتی و مخصوصا اتاق‌های فکر نظام در این روندی که کشور طی می‌کند، بسیار حساس و تعیین‌کننده است.

سیال‌بودن نیروهای سیاسی و شکل ژله‌ای جامعه برای روند آتی تحولات سیاسی – اجتماعی ایران مطلوب نیست. در این زمینه نبود نقش مشخص برای احزاب در نظام انتخاباتی از منظر قوانین بالادستی و تأثیرنداشتن آن در شکل‌گیری دولت، مجلس و سازماندهی قوه مقننه و تعامل آنها نقطه ضعفی است که مشکلات زیادی را برای اداره کشور به همراه دارد. «تحزب» از این به بعد صرفا یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی است که اگر به آن توجه نشود، در سال‌های آینده باید هزینه سنگین‌تری بپردازیم. تحزب، یعنی شناسنامه‌دارکردن و سامان‌دادن جریان رودخانه موج تحولات اجتماعی برای استفاده از ظرفیت سازنده آن که اگر کنترل و هدایت نشود، آفت‌زاست. تحزب سبب موربانه‌زدایی از سیاست، پخش قدرت به جای تمرکزگرایی و باعث حرکت مداوم، پیوسته و آرام قطار قدرت در کشور خواهد شد.